

بررسی تاثیر جنگ نرم بر امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

عباسعلی طالبی^۱، سید ابوالفضل موسوی زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

چکیده:

این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و چارچوب نظری قدرت نرم به دنبال تبیین نسبت جنگ نرم و امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران به طرح این سوال پرداخت که جنگ نرم چگونه در تضعیف امنیت فرهنگی نقش آفرینی می‌کند. در پاسخ این فرضیه مطرح شد که جنگ نرم، با سازوکارهای فرقه‌سازی، جریان‌سازی فرهنگی، اشاعه و تحمیل سبک زندگی، از خود بیگانگی و دامن زدن به شکاف نسل‌ها با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای به استحاله‌شدن امنیت فرهنگی کمک می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که امنیت فرهنگی محصول سازگاری میان سه سطح نخبگان، مردم و دولت است و ناسازگاری و عدم برنامه‌ریزی میان این سه سطح منشا ناامنی فرهنگی و بی‌ثباتی معرفتی می‌شود. تقویت نخبگان اعم از نخبگان مذهبی، سیاسی و فرهنگی در تعمیق بخشی اشکال ارزش‌ها و باورها و تبدیل آنها به سمبل‌های رفتاری، شکل دادن به ذهنیت و رفتار مردم جامعه در تامین امنیت فرهنگی نقش بسزایی دارند.

واژگان اصلی: فرهنگ، امنیت، جنگ نرم، نخبگان.

۱. استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، سوادکوه، ایران.
(نویسنده مسئول)
talebi_abbas@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه

امنیت فرهنگی مهم‌ترین و نامحسوس‌ترین بعد امنیت ملی است و تهدیدات فرهنگی هر کشور از پیچیده‌ترین اشکال تهدید علیه امنیت ملی آن کشور است. تاکید بر عناصر فرهنگی و حفظ آن در ارتقا و تعمیق بخشی امنیت ملی جامعه از رویکردهای غالب در کنشهای گفتاری امام راحل و مقام معظم رهبری طی چهار دهه گذشته بوده است؛ به گونه‌ای که در دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، فرهنگ بنیان اصلی امنیت جامعه به شمار می‌آید از نظر امام (ره) انحراف فرهنگ مبدأ همه بدبختی‌های ملت است (صحیفه نور، جلد ۱: ۲۷۳). ایشان فرهنگ را زیربنای جامعه می‌دانند و در مقایسه فرهنگ و اقتصاد برآنند «که نظر ما به اقتصاد نیست مگر به طور یک آلت، نظر ما به فرهنگ اسلامی است» (صحیفه نور، ۷: ۷۲). حضرت امام (ره) همه نقص‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را آسیب‌پذیری فرهنگی می‌داند و تأکید می‌کند که همه با هم آسیب‌ها را رفع کنیم. است. فرهنگ اساس یک ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است (صحیفه نور، ۶: ۹۴). در سلسله بحث‌ها و گفتارهای مقام معظم رهبری فرهنگ یکی از پایه‌های اساسی قدرت و اقتدار ملی است از نظر ایشان، قدرت یک ملت بر سه عنصر اقتصاد، فرهنگ و دانش استوار است و البته فرهنگ از اقتصاد مهمتر است، چرا که در دیدگاه ایشان فرهنگ به مثابه هوایی است که یک ملت در آن تنفس میکنند و الهام بخش مردم در کنش اعمال آنهاست (سخنرانی در حرم رضوی ۱/۱/۹۳). به عبارت دیگر، می‌توان گفت از نظر مقام معظم رهبری فرهنگ زمینه و بافتاری است که تمامی کنش‌های معنا دار یک ملت در درون آن و تحت تأثیر آن شکل می‌گیرد (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۵۸). فرهنگ به مثابه قدرت امنیت ساز در دو دهه اخیر به تأثیر از انقلاب ارتباطات و اطلاعات، جنگ نرم ابزارهای تقابل گفتمان‌ها و تمدن‌ها متناسب با تغییر سوژه‌ها و اهداف این منازعه (جنگ نرم)، دچار تحول شده است. پیامدهای منفی این پدیده نوظهور در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به صورت روزافزون مورد توجه محافل علمی و آکادمیک قرار گرفته است. درجنگ نرم، تغییر جنس تهدیدها باورها، عقاید، ذهنیت، احساسات، عواطف و آگاهی انسانها مورد هدف قرار می‌گیرند و به تبع آن، رفتارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان در راستای خواست و مطامع گردانندگان جنگ نرم تغییر می‌یابند. در فضای زمانی پسا جنگ سرد، مقوله امنیت از وضعیت عمدتاً نظامی یا کلاسیک خود خارج شده و ابعاد نرم افزاری و همه جانبه روانی، ذهنی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یافته است و جنس تهدیدهای امنیتی نیز از حالت سخت نظامی به سمت تهدیدهای نیمه سخت اقتصادی و

تهدیدهای نرم روانی، ذهنی، فرهنگی و اجتماعی تغییر یافته اند. تهدیدهای دنیای امروز از نوع تهدیدهای رسانه ای هستند که به جنگ افزاری پر قدرت برای تحت استیلاء در آوردن کشورها تبدیل شده اند. جمهوری اسلامی ایران در چند دهه اخیر، همواره در معرض جنگ روانی و رسانه ای و تهدیدهای نرم نظام سلطه و هژمونی غرب و ایالات متحده بوده است. این پروژه در یک دهه اخیر نه تنها مهندسی تر و نظام مندتر حوزه فرهنگ و شاخصه‌های امنیتی آن را مورد هدف قرار داده است. بلکه هر روز بر شدت این جنگ افزوده است. در این تحقیق، نگارندگان با استفاده از روش توصیفی تحلیلی با طرح این سوال جنگ نرم چه تأثیری بر امنیت فرهنگی ایران داشته است؟ در صدد اند متغیرهای تأثیر گذار جنگ نرم را بر امنیت فرهنگی را شناسایی و سپس راههای مقابله احتمالی با آن را بررسی نمایند.

روش تحقیق

این پژوهش سعی دارد با رویکردی توصیفی- تحلیلی به چیستی جنگ نرم و ضرورت‌های توجه ایران به این مقوله به ویژه در حوزه فرهنگی در جهت مقابله با آن، بپردازد. در این راستا از منابع کتاب خانه ای، سایت ها و نظرات مندرج در منابع مختلف، بهره گیری شده است.

۱-پیشینه پژوهش

فرزانه دشتی و حدیثه باقرنیا (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بازخوانی مساله امنیت فرهنگی در نظام مردم سالاری دینی با تاکید بر بینش، نگرش و کنش مقام معظم رهبری» با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی با تحلیل بیانات مقام معظم رهبری به واکاوی و تحلیل مقوله امنیت فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداختند. یافته های پژوهش نشان می دهد که فرهنگ همواره بر تئوری ها و نظریه پردازیهای مدیریت اجتماعی به عنوان محور و شاکله ساختاردهی و سازمان دهی نظام مطرح بوده است و با مطرح شدن پارادایم جهانی شدن بر اهمیت آن افزوده شده است کیسیان پورنقی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگ» با استفاده از روش توصیفی و اسنادی به این نتیجه می رسد که جلوه‌ها مقابله با آن تهاجم فرهنگی را می توان به دو دسته ی بیرونی، همچون: تلاش برای دین زدایی، ایجاد روحیه ی خودباختگی فرهنگی، ترویج افکار، اندیشه‌های غربی و درونی، همچون: عقب ماندگی علمی و صنعتی، فقر اقتصادی، غفلت

کارگزاران فرهنگی تقسیم کرد. قربان زاده سوار، قلخانباغ و رحمتی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «امنیت فرهنگی و جنگ نرم» به بررسی نسبت امنیت فرهنگی و جنگ نرم پرداختند. آنها ضمن تأکید و مقدم خواندن ارزش های فرهنگی و معکوس خواندن رابطه میان آن دو به این نتیجه رسیدند که جنگ نرم با تغییر ارزش های جامعه و اختلال در روند درونی شدن ارزش ها باعث تضعیف امنیت اجتماعی می شود و جامعه زمانی می تواند امنیت اجتماعی خود را حفظ کند که روند درونی شدن فرهنگ به درستی طی شده باشد.

۲- چارچوب نظری تهدید نرم فرهنگی

به منظور بررسی و شناخت مناسب تر و با کیفیت تر پدیده ها و تحولات، استفاده از مبانی نظری مناسب که به تجزیه و تحلیل مسائل مطرح در این عرصه کمک کند، ضروری است. حوزه مطالعاتی جنگ نرم و امنیت فرهنگی که بر مجموعه‌ای از مفاهیم ذهنی و عینی مبتنی است که به دلیل تعدد و درهم تنیدگی این عناصر، امکان تعیین وزن هریک از آنها کاری دشوار است. تهدید، مفهومی انتزاعی است. تعریف دقیق تهدید به دلیل چند وجهی بودن و ارتباط آن با امنیت ملی، منافع ملی، اهداف و راهبرد ملی، پیچیده و مشکل است. چرا که تهدید نرم نیز همانند خیلی از مفاهیم دیگر، ویژگی هایی دارد که به ابزارها و اهداف مورد هجوم در تهدید نرم مربوط می شود. از جمله: تهدید نرم در شرایطی شکل می گیرد که کسانی که به آن تن در می دهند، اغلب احساس و ادراک تهدید از آن نداشته باشند. همچنین تهدید نرم در مراحل تکوین به دلیل ماهیت ذهنی و انتزاعی آن، چندان جلب توجه نمی کند. بر این اساس تهدید نرم به صورت خفته و مستور پیشروی می کند. براساس آنچه گفته شد، تهدید نرم را می توان هرگونه اقدام غیرخشونت آمیزی دانست که ارزشها و هنجارها را مورد هجوم قرار می دهد و در حد نهایی، منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدیدی می شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض دارند (آذر و مون، ۱۳۷۹: ۱۲۱). اگرچه تهدید نرم نیز همانند تهدید سخت دارای ابعاد مختلفی است؛ با وجود این، تجلی و نمود آن در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیشتر است (سیف، ۱۳۷۸: ۶۱). تهدیدهای نرم را می توان به مجموعه وسیعی از نظریه ها، مؤلفه ها، شاخصه های تبیین و تئوریزه شده دشمن، از یک سو به عنوان زمینه های ایجاد و بسترسازی برای انواع اقدامات و فعالیت های وسیع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... و از سوی دیگر اقدامات و فعالیت های متعدد در صحنه های مختلف کشور هدف، برای تأثیرگذاری بر اراده، افکار، احساسات و اعتقادات مخاطبان عنوان کرد. از

نگاهی دیگر، در تهدیدهای نرم، دشمن با ذهن و قلب مخاطب سروکار دارد و تلاش می کند، قلب و اذهان مخاطبان را تسخیر کند (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰: ۱۳). عرصه های تهدیدهای نرم را می توان به شش دسته تقسیم کرد: حوزه تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ارتباطات و حوزه تهدیدهای علمی و اندیشه ای؛ اما آنچه در این مقاله مورد مطالعه قرار می گیرد حوزه تهدیدهای فرهنگی است. چرا که تهدیدهای فرهنگی وسیع ترین، مؤثرترین، پیچیده ترین و شاید خطرناکترین نوع تهدیدها محسوب می شود. در این تهدید، ذهن مخاطبان مورد هجوم و توجه سیاستگذاران در ارکان نظام سلطه قرار دارد و برای تسخیر اذهان و قلوب انسان ها در راستای منافع خود، اقدامات گسترده و مختلفی را به اجرا می گذارند. تلاش نظام سلطه برای تأثیرگذاری بر افکار، ایمان، اندیشه و اعتقادات مخاطبان است (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰: ۱۴). چرا که فرهنگ بیانگر شخصیت و هویت ملی کشور و دستاورد معرفتی و فنی انسان و همه جوامع است. فرهنگ کشور دارای سه سطح کلی است مفروضات اساسی و زیرساخت های فکری هر کشور (باورها) سطح اول فرهنگ تلقی می شود. همچنین فرهنگ ملی کشور، دارای مجموعه ای از باورها و ناپایدها و ارزش هاست که سطح دوم آن را تشکیل می دهد که در نهایت الگوهای رفتاری و اقدام یک کشور، لایه سوم فرهنگ ملی تلقی می گردد. با این توصیف می توان گفت ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ عبارت است:

۱- تهدید باورها (مفروضات اساسی) کشور در سه سطح نخبگان، مردم و دولت،

۲- تهدید ارزش های اساسی کشور در سه سطح نخبگان، مردم و دولت،

۳- تهدید الگوهای رفتاری کشور در سه سطح نخبگان، مردم و دولت.

فرهنگ استراتژیک کشور بر نوع تلقی و الگوهای رفتاری نخبگان و سیاستگذاران یک کشور و توان دیپلماسی آن تأثیر می گذارد. در صورت وقوع تهدید نرم، در این سطح، کشور حریف می تواند با مدیریت ادراک، اندیشه و عزم رهبران و نخبگان را باورها، ارزش ها و الگوهای رفتاری آنان تحت تأثیر قرار دهد. همچنین فرهنگ ملی، شامل باورها، ارزش ها و الگوهای رفتاری نهادینه شده در جامعه است که تهدید نرم در این حوزه می تواند بر آنها تأثیر گذارد. همچنین فرهنگ دفاعی کشور که منبع قدرت نرم در نیروهای مسلح است، در صورت وقوع تهدید نرم در این سطح، موجب از بین رفتن عزم و اراده، نبرد و قدرت بازدارندگی روانی می شود. در نتیجه تهدید نرم در حوزه فرهنگ، هرگونه اقدام رسانه ای و تبلیغی از جانب دشمن است. چرا که تهدید نرم را می توان تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک

نظام سیاسی می شود (احمدزاده کرمانی، ۱۳۸۸: ۴۳). که در سطوح مختلف اجرا می شود، بنابراین برای مطالعه تهدیدات نرم فرهنگی ما باید به عناصر مختلفی توجه کنیم از جمله آن: عنصر دولت؛ عنصر اول در مطالعه تهدیدهای نرم فرهنگی دولت است. عنصر مردم؛ در میان بازیگران تهدید نرم فرهنگی مردم هستند. آنچه در اینجا موضوعیت دارد، یکی رفتارهای فرهنگی مردم و دیگری باورها و ارزش های آنهاست که بر رفتار و جهت گیری آنان تأثیرگذار است و می تواند موضوع تهدیدهای نرم فرهنگی باشد عنصر سوم در مبحث تهدید فرهنگی که رأس سوم مثلث است، نخبگان جامعه باز می گردد. نخبگان هر جامعه، جلوداران قافله فرهنگی آن جامعه هستند، نقش نخبگان اعم از نخبگان مذهبی، نخبگان سیاسی و نخبگان فرهنگی در شکل داد به ذهنیت و رفتار مردم جامعه و در هدایت آنها در مسیرهای درست یا غلط، بسیار اساسی است (سیف، ۱۳۸۸: ۶۶).

۳- مفهوم شناسی:

۳-۱- جنگ نرم

متعاقب طرح مفهومی قدرت نرم توسط جوزف نای، شاهد تولید طیف متنوعی از مفاهیم جدید با وصف نرم مانند امنیت نرم، استراتژی نرم هستیم که جنگ نرم نیز از آن جمله می باشد. به همین دلیل که نقطه آغازین شناخت تمامی این مفاهیم را شناخت و تحلیل نظریه نای تشکیل می دهد (افتخاری، ۱۳۸۵). جنگ نرم، توانایی کسب چیزی است که از طریق جذب به جای اجبار می خواهیم (Nye, 2004). جنگ نرم، مجموعه ی تدابیر و اقدامات از پیش اندیشیده ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورها است که بر نظرات، نگرش ها، انگیزش و ارزش های مخاطبان آماج (اعم از حکومت ها، دول ها، گروه ها و مرد کشورهای خارجی) تاثیر می گذارد و در بلندمدت موجب تغییر منش، رفتار و کنش های فردی و اجتماعی آنان می گردد (الیاسی، ۱۳۷۸: ۱۲) همچنین جنگ نرم، استفاده دقیق و برنامه ریزی شده علیه نظام های سیاسی مورد هدف، به منظور تاثیر گذاری بر باور و ارزش های بنیادین و با هدف دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگ، اجتماعی و اقتصادی است (نائینی، ۱۳۷۳: ۳۱).

۳-۲- امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی به معنی قابلیت و توانایی حکومت ها در حفظ و دفاع از ارزش ها، ایده ها، هویت و به طور کلی فرهنگ خاص جامعه است، به نحوی که این شاکله، تشکیل دهنده ساختار فرهنگی ملی یک کشور در داخل سیستم دولت ملت و متمایز کننده ملت یک کشور از کشورهای

دیگر است. تأثیری که جهانی شدن بر این بعد از امنیت ملی گذاشته است، مربوط به افزایش نیروهای نفوذ کننده متقابل به ویژه افزایش مهاجرت، پناهندگی، جریان یافتن ارتباطات فردی، قومی و گروهی می شود؛ به علاوه انقلاب اطلاعاتی و گسترش ارتباطات بین المللی موجب تعارض میان فرهنگ ملی و روند یکسان سازی و یکپارچه سازی فرهنگی در سطح جهان گردیده است (یزدان پنا و همکاران، ۱۳۹۱: ۳) به این ترتیب جنگ نرم در سایه انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی نه تنها زمینه های نفوذ خود را گسترش داده بلکه به یکی از عناصر تعیین کننده در تهاجم به امنیت فرهنگی سایر کشورها تبدیل شده است. از این رو لازمه آغاز جنگ نرم که اصالتاً ماهیتی فرهنگی و ارزشی دارد ادعا و القای برتری فرهنگی بر دیگران است، فرهنگی که دارای ارزش ها، افکار و اندیشه ها، آداب و رسوم، الگوهای رفتاری، شیوه زندگی و نظام باورهایی است که بر سایر فرهنگ ها تفوق و برتری دارد. برتری جویی فرهنگی، نوعی ایدئولوژی سیاسی است که در چارچوب آن، از منظر فرهنگ خودی به سایر فرهنگ ها نگرسته شده و در مورد آنها قضاوت می شود. این داوری نیز براساس ارزش ها، زبان، رفتار، نظام باورها، آداب و رسوم، افکار، اندیشه ها و انگاره های فرهنگ مهاجم صورت می گیرد. در مقام ارزش گذاری نیز همواره ارزش ها و عناصر فرهنگ خودی بر سایر فرهنگ ها ارجحیت و اولویت می یابد، به گونه ای که برتری جویی فرهنگی متضمن مطلق انگاری فرهنگی، نفی و طرد چند فرهنگ گرایی استثنائگرایی است (The Columbia Encyclopedia, 2019).

۴- ابعاد جنگ نرم

برای جنگ نرم ابعاد گوناگونی بر شمرده اند، ولی سه بعد اصلی عبارتند از:

۱-۴- بعد سیاسی

عاملان جنگ نرم تلاش می نمایند تا نوع نگرش، موضع گیری، کنش و واکنش شهروندان یک جامعه را در برابر حکومت و نهادهای سیاسی آن، دستکاری نمایند و آن را برای یازیدن به کنش های اعتراض آمیز، مانند راهپیمایی، تظاهرات، اعتراض و جزء آن، ترغیب کنند. به عبارت دیگر، عاملان جنگ نرم در پی آن هستند که شهروندان جامعه را وادار به نافرمانی مدنی نمایند تا بر اثر آن، رفتار حکومت و حتی نوع حکومت را به تدریج دستخوش تغییر کنند و مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی نظام سیاسی حاکمان را مورد تردید قرار دهند و حتی برخی از آنان جنگ نرم را جنگ سیاسی می دانند.

۲-۴- بعد اجتماعی

از جمله مؤلفه های بعد اجتماعی جنگ نرم، کنش های اجتماعی، روابط و تعاملات، آداب و رسوم و رفتارهای جمعی است. عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا بر هویت مردم جامعه، انسجام اجتماعی، روحیه ملی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری و دلبستگی ملی تاثیر بگذارند. برخی از صاحب نظران، ابعاد اجتماعی جنگ نرم را شامل بعد شناختی یا ذهنی، بعد عاطفی و هیجانی و بعد اجتماعی می دانند.

۳-۴- بعد فرهنگی

فرهنگ یکی از منابع اصلی قدرت نرم به شمار می رود. عرصه فرهنگ را باید مهم ترین تجلی گاه جنگ نرم به شمار آورد (رجبی، ۱۴۰۱: ۲۶۴). چرا که این عرصه با در بر گرفتن حوزه هایی مانند هنر، رسانه، دانش و باورها به یکباره آن چه می تواند بر ذهن و روان دیگران تاثیر بگذارد در اختیار گرفته است. همان گونه که مکتب شیکاگو نیز مورد تاکید قرار می دهد که فرهنگ دیرپا ترین عنصر زندگی اجتماعی است. سالیان سال طول می کشد تا بخشی به فرهنگ اضافه یا در اثر تغییرات اجتماعی از آن حذف شود. در این میان کارویژه فرهنگ باز تولید اندیشه اجتماعی، عادات و سنن جامعه می باشد. یکی از راه های حفظ و باز تولید اندیشه های اجتماعی، عادات و سنن، تسری آن به سایر جوامع و شمولیت بخشیدن به حیطه آن است. هنگامی که کشوری بتواند عناصر فرهنگی خود را به کشورها بقبولاند نه تنها بقای فرهنگ خویش را تضمین بخشیده بلکه به نوعی قلب و ذهن دیگران را به تصرف خود در آورده است. امری که می تواند در تامین منافع ملی یک کشور نقش مهمی بازی نماید چنین قدرتی در نتیجه دانش و فناوری های مدرن امروزی برای بسیاری از کشورها فراهم آمده است. باید ادعان داشت تاثیر گذارترین بعد جنگ نرم، جنبه فرهنگی آن است چرا که تهاجم فرهنگی مقدمه ی جنگ نرم به شماره می آید و عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا با استفاده از ساز و کارها و روش های فرهنگی، بر ارزش های بنیادی جامعه، نگرش های پایه، ترجیحات اساسی، آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی تاثیر گذارند و آن را دستخوش تغییر قرار دهند.

فرهنگ و تفاوت های فرهنگی در سراسر تاریخ شالوده و اساس رفتار انسان را تشکیل داده است. در واقع، در پایان قرن بیستم، اهمیت فرهنگ در بازنگری سیاست جهانی، که از پایان جنگ سرد و گسترش روزافزون پدیده جهانی شدن نشئت می گرفت؛ فزونی یافت. کوچک شدن جهان، فرهنگ های مختلف را به هم نزدیک تر کرد و چالشی در مقابل الگوهای سنتی فرهنگ و نظم

اجتماعی ایجاد کرد. همه ملت‌ها با این معضل روبه‌رو شدند که کدام بخش از فرهنگشان می‌تواند حفظ شود و کدام بخش از دست خواهد رفت. تغییر فرهنگی موجب اصطکاک گردید. وقتی مردم یک فرهنگ، فرهنگ مردم دیگر را نه تنها بیگانه، بلکه عامل تهدیدکننده می‌دانند، امکان وقوع برخورد و منازعه پدید می‌آید. پس از جنگ سرد آتش منازعات فرهنگی که مدت‌ها زیر خاکستر مدفون بود، زبانه کشید ملت‌ها در سطح محلی و جهانی با یکدیگر به منازعه پرداختند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۰۲۳). آن چه در دهه اخیر مشهود بوده رسانه‌های غربی، سنت‌های اجتماعی ایستا و غیرپویا را به دلیل اینکه حمله به این سنت‌ها و تغییر آنها حساسیت چندانی در جامعه ایجاد نمی‌کند، مورد هدف قرار داده‌اند تا از این طریق ردپایی در جامعه باز کنند. آنها با شناسایی نقاط ضعف فرهنگ مورد هجوم و تحقیر آن فرهنگ از طریق ضعیف‌نشان دادن، سعی در نفوذ در آن فرهنگ می‌کنند (تولیت، ۱۳۸۹: ۱۱۹). برای مثال می‌توان به تغییرات در نحوه پوشش جوانان، پرکردن اوقات فراغت و سبک زندگی در دهه اخیر در ایران اشاره کرد.

۵- سازوکارهای تأثیرگذاری جنگ نرم بر امنیت فرهنگی

۵-۱- ناکارآمد سازی ساختار فرهنگی

یکی از محورهای اصلی جنگ نرم را می‌توان تلاش برای مشروعیت‌زدایی از نظام ارزشی و باورهای عمومی جامعه دانست همان‌گونه که کشورها از راه قدرت نرم به مشروعیت‌یابی نائل می‌گردند، در فرآیند جنگ نرم تلاش می‌شود به جای اقدامات سازمان‌یافته ساختاری برای براندازی مستقیم، از الگوهایی بهره گرفته شود که علل اصلی عقب‌ماندگی‌ها و اعتراضات را به ناکارآمدی‌های درونی جامعه نسبت می‌دهند. در جنگ نرم فرآیند جریان‌سازی فرهنگی با تردید افکنی در مبانی ارزشی یک نظام، الگوهای آن نظام را در عرصه‌های مختلف اجتماعی ناکارآمد می‌سازد. این فرآیند توسط دشمن در جهت تغییر الگوی فرهنگی مستقر، عمل کرده و الگوی رفتاری حوزه‌های فرهنگی را متحول نموده و مبانی مشروعیت‌ساز نظام فرهنگی مستقر را با چالش مواجه می‌سازد. و به تدریج از طریق فرآیند عادی‌سازی، حذف، تکرار، کلی‌گویی و شبه‌افکنی مقبولیت آنرا از بین برده و شرایط برای پذیرش فرهنگ جدید با نظام‌واره‌های جدید فراهم می‌کند. جنگ نرم از طریق رسانه‌ها با تولید و پخش هدف‌مند برنامه‌ها در حوزه‌های مبتنی بر بازتولید اجتماعی، انتقال فرهنگی و جامعه‌پذیری کارکردهای نهادی فرهنگ‌ساز کشور را با چالش مواجه می‌کنند. این

سیستم قدرتمند و ذی نفوذ با طرح این بحث که فرهنگ در جایی رشد می کند که نهادهای موجود امکان بحث در باره آن را به شهروندان فراهم کند کارکردهای نهاد سستی را ابتدا با فرسایش و سپس در برابر جاذبه های جدید وادار به تسلیم می کند.

۲-۵- فرقه سازی

فرقه سازی یعنی جداسازی یک جز از کل، سابقه دیرین در تاریخ ادیان مختلف دارد. اصلی ترین پیامد فرقه سازی دینی از بین بردن اصالت دین است. در سال های اخیر پیروان فرقه های مختلف از جمله شیطان پرستی و عرفان های نوظهور مانند کابالا، اکنکار، دالایی لاما، سای بابا و اشو برای جذب هرچه بیشتر اعضای جدید و انحراف افکار مردم به ویژه جوانان بر فعالیت های تبلیغی خود در ایران افزوده اند. مبلغان وهابی با پرداخت کمک های نقدی و غیر نقدی به خانواده های فقیر شهری و روستایی مرزی و جنوبی کشور تلاش می کنند آنان را با اندیشه های سلفی خود همسو کنند.

۳-۵- جریان سازی فرهنگی

جریان سازی به مفهوم عام بر تعقیب هدف به وسیله شخص یا اشخاص با ابزارهای مختلفی در طول فرآیندهای خاص دلالت دارد. این فرآیند با شاخصه هایی چون سازماندهی شده، هدف مند و پروژه محوری نقش بسزایی در تخریب یا تقویت کارکردهای فرهنگ یک جامعه دارد. امروزه جریان سازی ها در قالب رسانه ها که مسئولیت یا کارکردهای تفریحی، آموزشی و خبری را بر عهده دارند در ایجاد تغییرات و دگرگون سازی ارزش ها و هنجارها از توانایی بسیار بالایی برخوردارند. دو رویکرد اساسی را می توان در جریان سازی فرهنگی بر شمرد. رویکرد اول بیشتر مبتنی بر شناخت مدیریت فرهنگی است، یعنی این که تداوم و ثبات، چهره غالب در امنیت فرهنگی است. وقتی ناامنی فرهنگی به صورت عینی و خارجی ظاهر شد، می توان به مدیریت آن پرداخت مهار یا حذف اش کرد. رویکرد دوم امنیت فرهنگی، یعنی جریان سازی یا دخل و تصرف کردن در یک فرهنگ و ایجاد وضعیت و ساختار جدید که بتواند منجر به ایجاد یک فرهنگ جدید شود. بنابراین تهدید فرهنگی مبتنی بر طرح و برنامه است و از اینجا شکل گیری جریان سازی فرهنگی معنا می یابد. این جریان با تولید گفتمان های فرهنگی با استفاده از ظرفیت های بومی ابتدا به دنبال ناامن سازی فرهنگی و سپس تغییر آن می پردازد. تجربه چهل ساله انقلاب اسلامی و حتی بسیاری از کشورها نشان داده است که گروه های اپوزیسیون از ابزارهای تاثیر گذار رسانه های غرب

محسوب می شوند. هرگاه آمریکایی ها در روند جدال استراتژیک با کشوری قرار می گیرند، تلاش می کنند تا از طریق گروه های اپوزیسیون، روند مشروعیت زدایی را پیگیری کنند. از نظر آمریکایی ها، اپوزیسیون، نیروی سیاسی موثری برای ایفای نقش در امور داخلی کشورها به شمار می رود. به همین دلیل، آمریکا تلاش می کنند از اپوزیسیون ایرانی به عنوان نیروی تاثیرگذار بر مسائل سیاسی و اجتماعی ایران، استفاده کند. پروژه بهره برداری اپوزیسیون یکی از اصلی ترین اهداف خود را ایجاد اتحاد میان گروه های ضد انقلاب خارج نشین قرار داده است آنان از لابی ها، نهادها و سیاسیون متنفذ متمایل به خود، نهایت استفاده را به عمل می آورند تا بتوانند گروه های خارج نشین را به یکدیگر متصل کرده و یک اتحاد هرچند مصنوعی بین آن ایجاد نمایند یکی از محورهای مبارزه نرم غرب با نظام جمهوری اسلامی ایران تقویت جبهه فرهنگی، برجسته کردن مخالفان نظام در قالب روشنفکر، مدافع حقوق بشر، مبارزه برای آزادی، اندیشه و غیره است. این پدیده که از دهه ۱۳۷۰ شروع شد و همچنان ادامه دارد، سعی دارد جوانان و به تبع آن دانشجویان نیز به راحتی تحت تأثیر شخصیت های روشنفکرمدافع حقوق بشر طرفدار غرب قرار دهد و با محور قرار دادن این شخصیت ها، انسجام، سلامت و امنیت سیستم را به خطر اندازد.

۴-۵- از خود بیگانگی

از خود بیگانگی حالتی است که انسان از خود دور شود و کیفیات و حالات دیگری را به جای واقعیت و حقیقت بشاند. حالتی که در آن هویت به وسیله جاعلان حرفه ای برای ما جعل می شود، خواه قصدشان سرگرم کردن ما باشد، کاری که شبکه های مجازی انجام می دهند و خواه قصدشان این باشد که ما آن هویت را جدی بگیریم، کاری که رسانه ها انجام می دهند. کاستلز هویت را فرآیند معنا ساز براساس یک رویکرد بهم پیوسته از ویژگی های فرهنگی که بر منابع معناهای دیگر اولویت داده می شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳). در جنگ نرم تلاش می شود که ارتباط من اجتماعی فرد با محیط اجتماعی او ضعیف شود. در این صورت یک نوع انزوای اجتماعی، احساس بی قدرتی و بی هنجاری در او ایجاد می شود آن چه در حوزه امنیت فرهنگی مطرح می شود آن است که ترویج سازوکارهای فرهنگ جدید، فرهنگ مستقر را از متن به حاشیه رانده و با گسترش انزوای افراد در جامعه، با هنجار شکنی خود باعث مسائلی چون عدم رعایت ارزش های جامعه، ترویج فرهنگ بیگانه، رواج مصرف گرایی و تحمیل هزینه های غیر ضروری بر خانواده و دولت شوند. دو پدیده ماهواره و اینترنت که برای تبادل اطلاعات و ارائه سریع آخرین دستاوردهای علمی بین کشورهای

جهان، به وجود آمده اند، امروزه به عنوان سلاحی بر علیه مردم کشورهای کمتر توسعه یافته بکار گرفته شده اند، در کنار اطلاعات مفیدی که از طریق اینترنت و ماهواره تبادل می شود، متأسفانه حجم زیادی از هنجارهای غیراخلاقی گروه‌های منحرف در قالب برنامه‌ها و فیلم‌های ضد اخلاقی به سطوح مختلف مردم کشورهای جهان سوم تزریق می شود که مشکلات و آسیب‌های جبران ناپذیر فرهنگی زیادی را برای این کشورها به وجود آورده است.

۵-۵- دامن زدن به شکاف نسل‌ها

تمایز یا شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های معرفتی، بینشی، گرایشی، ارزشی و رفتاری میان دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است (فاضل میری و آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۴). مسئله‌ای که در تمایز نسلی مورد توجه است، شکاف در ارزش‌های مورد پذیرش نسل‌های مختلف است. مجموعه ارزش‌هایی که برای نسل بعدی اهمیت دارد، در صورتی که با جامعه‌پذیری صحیح نسل بعد منتقل و پذیرفته نشود تضعیف می‌گردد و تفاوت‌های معرفتی، بینشی، اخلاقی و رفتاری دونسل عامل پیدایش انحراف و مسائل اجتماعی می‌شود. وقتی یک نظام اخلاقی و رفتاری مورد تفسیر و تهدید قرار می‌گیرد یا در مرحله تجزیه واقع گردد، افراد آن نظام مزبور حافظ منافع آنهاست در جلوگیری از تفسیر آن کوشش می‌کند و در مقابل عده زیادی خواستار دگرگونی آن می‌شود. در نتیجه بین دو گروه اجتماعی برخورد و ستیز در می‌گیرد و زمینه مساعد برای پیدایش انحرافات اجتماعی پیدا می‌شود. ارتباط و وابستگی متقابل مساله اجتماعی به پیدایش مسائل اجتماعی دیگر کمک‌کنند (شیخاوند، ۱۳۷۲: ۱۷۲). جنگ نرم با گست در نظام ارزشی و رفتاری نسل‌های مختلف جامعه هدف، باعث نوعی تمایز نسلی در بین افراد جامعه می‌شود که ادامه این روند اختلالات در جامعه می‌شود و امنیت فرهنگی را با مشکل مواجه می‌کند. شواهد نشان می‌دهد نظام سلطه با استفاده از پدیده شکاف نسلی با راه‌اندازی شبکه‌های مد‌نه تنها سودهای کلان اقتصادی را به همراه دارد بلکه با ترویج مدهایی که در اتاق‌های جنگ روانی و فرهنگی طراحی می‌شوند، جوانان را به سوی خود جذب می‌نمایند. برای ترویج فرهنگ مصرف‌راهی جز تبلیغات محصولات نه‌چندان ضروری (مانند لوازم لوکس، پوشاک، لوازم بهداشتی و آرایشی) ندارند.

۶-۵- تحمیل سبک زندگی

در شرایط عادی این سوال مطرح بود که آیا افراد، خود سبک زندگی‌شان را انتخاب می‌کنند

و یا بهتر بگوییم، آیا سبک زندگی انتخابی می باشد؟ پاسخگویی به این سؤال، به سادگی میسر نیست. ایده انتخاب و اختیار، موضوعی پیچیده و به لحاظ ایدئولوژیکی و حتی اقتضانات زمانی محل مناقشه است. دو دیدگاه در باره انتخابی بودن یا نبودن سبک زندگی وجود دارد.

دیدگاه اول، اندیشمندانی چون (بورديو، آدلر، گیدنز، زیمل و کلاکھون، با صراحت، و وبر درخلال مباحث و ارائه مصادیق) انتخاب را یکی از عناصر اصلی و حتی ضروری ترین عنصرسبک زندگی محسوب کرده و سلیقه، ترجیح، انتخاب و خلاقیت را عامل تمایز سبک زندگی دانسته اند. دیدگاه دوم، اندیشمندان مکتب فرانکفورت (هورکهایمر، آدرنو، مارکوزه و هابر ماس) اعتقادی به انتخابی بودن سبک زندگی ندارند و بحث از انتخاب را به عنوان مبنای رفتار اجتماعی، اصولاً گمراه کننده می دانند، زیرا از یک سو، برخی گروه ها و افراد همواره از داشتن حق انتخاب محروم هستند و از سوی دیگر، امکان انتخاب، همواره به گزینه هایی (محدود یا متنوع) محدود می شود. به تعبیر این گروه، طیف انتخاب‌های مردم عادی (مصرف کنندگان کالاها و محصولات رسانه‌ای) بسیار محدود است؛ نخبگان نظام سرمایه داری تصمیم‌های کلیدی در این مورد را می گیرند و مصرف کنندگانی که تصور می کنند تصمیم گیرنده و گزینش گر اصلی هستند، دچار «آگاهی کاذب» شده اند و «نیازهای کاذب» آنها را اغوا کرده است. اما گستره تنوع گزینه ها، موجد تصور موهوم و گول زننده ای است که محدودیت ذاتی گزینه ها را پنهان می کند. سال هاست که سبک زندگی غربی به عنوان یکی از اثرپذیرترین حوزه های قدرت نرم، مهمترین ارزش های اسلامی را نشانه گرفته و ضربات جبران ناپذیری را به جوانان بویژه خانواده ها زده است (حیدری نژاد، مقیمی، ۲۸۳:۱۴۰۱). شکی نیست که، مجموعه نیروهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر رسانه ها با تولید و پخش برنامه های مهندسی شده، انتخاب های افراد را به طور اساسی، محدود می کنند و دولت در این مقابله با این موج فرآینده در سیاست های امور فرهنگی، در برنامه ششم توسعه کشور، مساله ترویج و ارائه سبک زندگی اسلامی ایرانی و حضور موثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در ترویج و ارائه سبک زندگی اسلامی ایرانی و توجه به توسعه مفاهیم، نمادها و شاخصه های هویت اسلامی ایرانی را تدوین کرده است و با کاهش و بعضاً حذف قابلیت انتخاب و گزینش گری زندگی افراد را به سوی سبک زندگی جدید سوق می دهد.

۷-۵- استحاله فرهنگی

از دیگر نشانه های تأثیر گذاری جنگ نرم بر امنیت فرهنگ مساله استحاله فرهنگی به معنی

جایگزینی ارزش های فرهنگی یا دگرگونی ارزشها می باشد. این هجوم فرهنگی در نخستین گام خویش به زدودن فرهنگ بومی می پردازد. مردم در سایه تبلیغات دشمن و پیروی کورکورانه از الگوهای فرهنگ مهاجم، برنامه های فرهنگی خود را نفی و شیفته فرهنگ بیگانه می شوند. آنها چنان تحت تاثیر برنامه دشمن قرار می گیرند که متوجه این تغییر نمی شوند. از نظر آنها پذیرش همه جانبه فرهنگ بیگانه نه تنها راه پیشرفت و توسعه به شمار می آید در چنین فضایی پیروی از بیگانگان فراگیر می شود؛ که پوشش، گویش و آرایش و حتی خواهش مردم تیره بخت دگرگون شده و رنگ بیگانه می پذیرد. از طرفی مردم جامعه مورد هجوم در زیر رخنه فرهنگی مهاجمان ریشه های عقب ماندگی خویش را نه در نقشه شوم دشمنان بلکه در باورهای به اصطلاح کهنه و واپس گرایانه خود می پندارند. در نظر این گروه پنداشت های فرهنگ خودی افیون توده ها و سد راه پیشرفت و تعالی آنها تلقی شده، دین و اخلاق باورهای غیر علمی پوچ و کهنه به حساب می آید. در چنین فضایی، اصول انسانی و اخلاقی رنگ می بازد و پابندی به باورهای مذهبی نشان از انحطاط و جمود فکری تلقی می شود (معاونت فرهنگی سپاه پاسداران، ۱۳۷۸: ۵۲). از این رو تلاش هماهنگ و حساب شده در جهت استحاله فرهنگی واقعی خطرناک و درعین حال غیر قابل انکار، پیچیده و دشوار است شاید به دلیل همین پیچیدگی باشد که متأسفانه برخی از خودی ها چنانکه باید و شاید رژفای این حرکت خانه برانداز را حس نکردند. حرکتی سازمان یافته در جهت تضعیف و نهایتاً براندازی نظامی در حال شکل گیری است. عهده داران این معرکه در چهره طراحان هدف دار و با برنامه گاه خود نمایی می کنند که برآن هستند تا با تغییر ذائقه و ارزش های مورد قبول مردم در با رسوخ ایمان و اعتقادات آنها روند استحاله شدن فرهنگی را شتاب بخشند (دشتی و باقرنیا، ۱۳۹۹: ۱۷).

۸-۵- تزیف فرهنگ ملی به عنوان مانع توسعه

تهاجم فرهنگی نه فقط با ارزش های بومی و هویت های ملی بیگانه است، بلکه با آنها سرستیز دارد. مبلغان این جریان، ارزش ها و باورها سستی را مانع هرگونه توسعه و تهدید کننده هرگونه طرح های نوگرایانه می دانند. بنابراین تفسیر آنها از هویت ایرانی و سعی در انطباق آن با ارزش های غربی افزون بر تضعیف مذهب، در پی ایجاد نوعی هژمونی فرهنگ خود در درون مرزهای ملی هستند.

۶- راهبردهای مقابله

راهکارهای رسمی جبهه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال این تهدیدات چگونه باید باشد؟ جهت تبیین استراتژی مناسب در مقابله با این جریان، می باید ابتدا موقعیت محیطی و وضعیت درونی

سیستم شناسایی شود. در وضعیت فعلی ما با سه عنصر رسمی در حفظ امنیت فرهنگی مواجه هستیم.

۱-۶- عنصر دولت

عنصر اول در مطالعه تهدیدهای نرم فرهنگی دولت است. سؤال اساسی در اینجا این است که دولت چه جایگاهی در شکل گیری یا جلوگیری از تهدیدهای نرم فرهنگی می تواند داشته باشد؟ از آنجا که دولت از یک جهت خود می تواند هدف تهدیدهای نرم و از جهت دیگر، عامل آن باشد، بررسی هر یک از دو جهت ضروری است. از طرف دیگر، دولت به عنوان مجموعه کارگزاران حکومتی، هم می تواند مرجع امنیت نرم و نیز ابزار ایجاد تهدید نرم باشد. در یک حالت، کارگزاران حکومتی به عنوان یک مجموعه می توانند تحت تأثیر القانات بیگانگان قرار گیرند، با تغییر در رفتار و نیز باورها مواجه شوند. در ایران دولت با توجه به مسئولیت خطیری که در حوزه حفظ و صیانت از فرهنگ کشور دارد سه نقش یا رسالت بزرگ در مقابله با جنگ نرم را بر عهده دارد.

اول: دولت در اجرای سیاست های امور فرهنگی، در برنامه ششم توسعه کشور ملزم به مقابله با قدرت نرم دشمن در حوزه فرهنگی شده است. اجرای این اصل در سطح راهبردی با بکار بردن مجموعه امکانات و نیروهای یک کشور بطور هماهنگ توسط بالاترین سطح به منظور حفظ و تعمیق بخشی فرهنگ خودی فراهم می شود.

دوم: دولت متولی رسانه ملی است. رسانه ملی به عنوان نهادی مهم، فرهنگ ساز و فرهنگ گستر موثرترین و پیچیده ترین ابزارها را جهت ایجاد، تثبیت و تقویت مولفه ها و شاخصه های تغییر و توسعه فرهنگی در اختیار دارد. رسانه ملی از دو جهت می تواند مورد توجه قرار گیرد. جنبه اول، وظیفه یا رسالتی که این نهاد در حفظ فرهنگ داخلی در مواجهه با تهاجم فرهنگی بر عهده دارد به این معنا که می تواند زمینه های مناسب، جهت تصمیم سازی و تصمیم گیری در بخش های مختلف و نیز ایجاد تغییر رفتاری مطلوب در گستره محلی، منطقه ای و ملی ایفا کند. جنبه دوم، وظیفه یا رسالتی که در توسعه فرهنگی داشته و تامین کننده بخشی از حقوق مردم، به معنای حق دسترسی به خدمات فرهنگی به ویژه آگاه سازی و آموزش از طریق استفاده از ظرفیت فرهنگی است.

سوم: دولت مسئولیت ساماندهی و رصد کردن اقدامات و تولیدات فرهنگی از جمله تئاتر، سینما، مطبوعات و موسیقی از طریق وزارت ارشاد را بر عهده دارد. در دنیای امروز زمانی از «فرهنگ قدرتمند» یاد می شود که متولیان آن بتوانند در دنیای پر رقابت کنونی محصولات فرهنگی و هنری فزون تری عرضه نمایند به همین سبب نای زمانی که از قدرت نرم فرهنگی کشورهای غربی و نیز

ژاپن یاد می‌کند بلافاصله به فرآورده‌هایی نظیر تولید فیلم، سینما، تهیه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، شمارگان کتاب‌ها، تعداد سالن‌های سینما و نمایش و تیراژ روزنامه‌ها و مجلات اشاره می‌کند (Nye, 2006). از جمله راهکار مقابله با تهاجم نرم و کاهش دامنه تأثیرات آن، گسترش دامنه فعالیت فرهنگی و افزایش محصولات فرهنگی جذاب و پر مخاطب است. توده‌ها اغلب جذب آن دسته از فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای می‌شوند که از نظر آنان از جذابیت بالایی برخوردار باشند. در حال حاضر ایالات متحده اولین صادرکننده فیلم و صنعت سینما در جهان است. صادرات فرهنگی ایالات متحده دومین مقام را در صادرات این کشور دارا است (Washington primes <http://www.Washington primes.org>).

هالیوود یکی از قدرتمندترین ابزار اشاعه فرهنگ غربی در سایر کشورها به شمار می‌رود. در حوزه چاپ کتاب و مقالات طبق آمار سازمان صنعت کتاب، امریکایی‌ها در سال ۲۰۰۴ حدود ۸/۸ میلیارد دلار بابت خرید کتاب‌های بزرگسالان، ۱/۳ میلیارد دلار بابت خرید کتاب‌های کودک و نوجوان ۹/۲ میلیارد دلار بابت خرید عمده کتاب پرداخته‌اند. در سال ۲۰۱۵ این آمار حدود ۵ درصد افزایش یافته است (<http://www.chn.ir/news/print/?setion-4&id-2566>). در حال حاضر ایران در مقایسه با تولیدات فرهنگی غرب به تقویت زیرساخت‌های لازم نیاز دارد (عل‌علی زاده، دیانت، ۱۴۰۱: ۲۰۶).

۲-۶- عنصر مردم

یکی دیگر از بازیگران اصلی تهدید نرم مردم یا جمعیت یک کشور هستند. آن‌چه در اینجنا موضوعیت دارد، یکی رفتارهای فرهنگی مردم و دیگری باورها و ارزش‌های آنهاست که بر رفتار و جهت‌گیری آنان تأثیرگذار است و می‌تواند موضوع تهدیدهای نرم فرهنگی باشد. مردم یکی از پایه‌های قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران هستند. همچنین آماج جنگ نرم، آگاهی، اعتماد و باورهای ذهنی جامعه است. یکی از راهکارهای مقابله با جنگ نرم، فعال‌سازی، هوشیاری مردم و افزایش آگاهی در جامعه به عبارتی مردمی کردن مقابله با جنگ نرم است.

۳-۶- عنصر نخبگان

نقش نخبگان اعم از نخبگان مذهبی، سیاسی و فرهنگی در شکل‌داد به ذهنیت و رفتار مردم جامعه در هدایت آنها در مسیرهای درست یا غلط، بسیار اساسی است. نقش نخبگان به مثابه افسران جنگ نرم (به تعبیر مقام معظم رهبری) در مدیریت فرهنگ و آگاهی بخشی به طبقات جامعه و مخاطبان بسیار حساس و و تأثیرگذار است. مقابله با جنگ نرم نیازمند نگرش راهبردی به تفکر

خلاق و بصیرت برای کسب اطلاعات و تحلیل محیط به شکل واقع بینانه است. نخبگان با شناخت و بصیرت عمیق، مسیر راهبردی مقابله با آن را به مردم و مسئولین توصیه می‌نمایند. نخستین گام نخبگان در تامین امنیت فرهنگی، تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگی جامعه است. امنیت فرهنگی در جامعه تامین نمی‌شود مگر این که آگاهی‌ها افزایش پیدا کند و اتحاد جامعه از چنان بینشی برخوردار شوند که موج‌های مخرب فرهنگی قادر به تخریب افکار نشود. گام دوم در تامین امنیت فرهنگی توسط نخبگان و بازسازی و نوسازی عناصر هویت بخش فرهنگ اسلامی - ایرانی و پر کردن خلاء موجود در تعریف منعطف تر از امنیت فرهنگی مطابق با اقتضانات روز است.

۴-۶- نقشه جامع فرهنگی

در وضعیت محیطی نیازمند یک بازنگری اساسی در برخورد با موج فزاینده تهاجم فرهنگی هستیم. عوامل محیطی نه تنها فرصت‌زا نیست بلکه تهدید زاست. به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم نا امنی فرهنگی نبود نقشه جامع فرهنگی است. هرچند سند چشم‌انداز بیست ساله از سوی مقام معظم رهبری به قوای کشور ابلاغ گردیده و در آن به مقوله فرهنگ، خوب و عمیق توجه شده ولی باید اعتراف کرد که همواره از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون کوتاهی فراوانی در آن رخ داده است. با نگاهی عمیق به وضعیت درونی تولیدکنندگان کالاهای فرهنگی شاهد ضعف مالی، ضعف تکنولوژیک و فقدان محتوای جذاب در مقابله با محیط مهاجم خارجی هستیم. بنابراین وضعیت درونی، حاکی از ضعف توانمندی‌ها، منابع و نیروی انسانی لازم در این امر است. با توجه به محیط تهدیدآمیز کالای فرهنگی وارداتی و قدرت تکنولوژیک و رسانه‌ای جریان غرب در این تهاجم فکری و فرهنگی، می‌باید در این زمینه استراتژی دفاعی اتخاذ کرد. در این راستا ابتدا باید انسجام مدیریتی در بین نیروهای همسو و متعهد (با دولت، نخبگان و مردم) ایجاد شود. هرگونه موازی‌کاری و پراکنده‌کاری این زمینه هزینه سنگینی در بلندمدت بر امنیت فرهنگی تحمیل خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

مقاله پیش رو کوشید تا تأثیر جنگ نرم را به عنوان متغیر مستقل و امنیت فرهنگی را به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش و واکاوی قرار دهد. مطالعات انجام شده نویسندگان را بدین نتیجه رهنمون ساخته که حفظ و ارتقاء امنیت فرهنگی نه صرفاً در پاسخ به مطالبات داخلی بلکه واکنشی به جنگ نرم، که مؤثرترین، کارآمدترین، کم‌هزینه‌ترین و درعین حال، خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین تهدید علیه ارزشها، باورها و هویت فرهنگی ما بوده، است. متولیان جنگ نرم کوشیدند با جریان سازی فرهنگی،

فرقه سازی، تحمیل سبک زندگی، از خود بیگانگی، دامن زدن به شکاف نسل ها و استحاله کردن فرهنگ از درون امنیت فرهنگی کشور را بسوی فرسایش و ناامنی سوق دهند. امنیت فرهنگی محصول سازگاری میان سه سطح نخبگان، مردم و دولت است و ناسازگاری و موازی کاری میان این سه سطح منشا بی ثباتی معرفتی و هویت سازی جدید می شود. فقدان نقشه جامع فرهنگی، ضعف تکنولوژیک و کمبود محتوای جذاب در مقابله با محیط مهاجم با توجه به محیط تهدیدآمیز کالاهای فرهنگی وارداتی راهی جز تدوین و انتخاب استراتژی دفاعی، انسجام مدیریتی در بین نیروهای همسو و متعهد با(دولت، نخبگان و مردم) نداریم. اولین راهکار مقابله با این پدیده نوظهور آن است که دولت با تامین نیازهای مادی و انسانی در این عرصه می تواند به خوبی راهبرد دفاعی کشور را در حوزه جنگ نرم با استفاده از رسانه ملی و متولیان امور فرهنگی بخش زیادی از تهاجم فرهنگی بیگانه را در تخریب یا فرسایش امنیت فرهنگی کاهش یا خنثی کند. دومین راهکار در متن سند چشم انداز بیست ساله، سیاست های امور فرهنگی، در برنامه ششم توسعه در مقابله با جنگ نرم در حوزه فرهنگی با توجه به اقتضائات روز بازنگری و بازتولید شود. سومین راهکار تقویت نخبگان اعم از نخبگان مذهبی، سیاسی و فرهنگی در شکل دادن به ذهنیت و رفتار مردم جامعه در هدایت آنها درحفظ و تعمیق بخشی امنیت فرهنگی بسیار اساسی است. تاکید بر ایجاد و گسترش سبک زندگی متناسب با فرهنگ اسلامی باید به عنوان دغدغه و مأموریت مدیران در تمام سطوح تعریف و ابلاغ گردد.

منابع

- ابراهیم‌پور، شهروز و محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). فرهنگ بستری برای جنگ نرم، مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۶۵-۶۶.
- احمدزاده کرمانی، روح‌الله (۱۳۸۸). درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسلامی، مطالعات بسیج، ۱۲(۴۳)، ۵۳-۳۹.
- آذر، ادوارد ای و چونگ این مون (۱۳۸۸). امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، افتتاحی، اصغر (۱۳۸۵). شرعی‌سازی سیاست؛ چارچوبی معرفتی برای تحقق ایده سیاست اسلامی، دانش سیاسی، ۲(۴)، ۶۹-۱۰۲.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوی (موضوعات بین‌المللی، جهانی شدن در آینده)، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بی‌نالمللی ابرار معاصر تهران.
- تولیت، سید عباس (۱۳۸۹). مدیریت دفاع فرهنگی، اندیشه انقلاب اسلامی، ۳(۸ و ۷)، ۱۰۷-۱۳۰.
- حایک، مریم (۱۳۹۹). راهکارهای رسانه ای باورپذیری کارآمدی انقلاب اسلامی ایران، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۱)، ۱۵۱-۱۷۶.
- حیدری‌نژاد، علیرضا و مقیمی، مهدی (۱۴۰۱). طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر قدرت نرم)، مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۲۸)، ۲۸۱-۳۰۴.
- خلف زاده، رشید؛ خوزین، حسن و شریفی، منوچهر (۱۴۰۰). راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مطالعات دفاع مقدس، ۷(۱)، ۱۵۹-۱۸۱.
- دشتی، فرزانه و باقرنیا حدیثه (۱۳۹۹). بازخوانی مساله امیت فرهنگی در نظام مردم سالاری دینی با تاکید بر پیش، نگرش و کنش مقام معظم رهبری، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۳۴)، ۶۲-۴۱.
- رجبی، محمد (۱۴۰۱). شناسایی مؤلفه‌های قدرت نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا، مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۲۸)، ۲۵۹-۲۷۹.
- ریاضی، وحید و سام دلیری، کاظم (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی سیاسی؛ عوامل فردی، روان‌شناختی شکل‌گیری نگرش سیاسی در انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ۱۰۵-۱۲۲.
- سبحانی فر، علی (۱۴۰۰). ارائه الگو دفاع نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر گفتمان امام خامنه ای (مدظله العالی)، مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۶۹-۸۹.

- سپهرنیا، رزیتا و شیخی، محمدطاهر (۱۴۰۰). نقش سرمایه فرهنگی در تأمین امنیت داخلی، مطالعات دفاع مقدس، ۷(۲)، ۱۷۵-۱۹۵.
- سیف، الله‌مراد (۱۳۸۸). تبارشناسی تهدیدهای نرم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، مطالعات بسیج، ۱۲(۴۴)، ۵۹-۹۲.
- شیخاوند، داور (۱۳۷۹). تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، تهران: نشر باز.
- صحیفه نور (۱۳۸۹). مجموعه بیانات و مکتوبات امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد اول.
- فاضل، رضا و میری‌آشتیانی، الهام (۱۳۷۸). آسیب‌های اجتماعی ایران، نگاهی به آینده، تهران: پژوهشکده تحقیقات مطالعات استراتژیک.
- قربان‌زاده سوار، قربانعلی؛ فلخان‌باز، خلیل و رحمتی، مهدی (۱۳۹۱). جنگ نرم و امنیت اجتماعی، پاسدار فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ۱-۲۲.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- لعل علی زاده، محمد و دیانت، محسن (۱۴۰۱). آینده پژوهی و سناریوسازی جایگاه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۲۴)، ۱۹۵-۲۲۴.
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰). بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۴(۵۰)، ۷-۵۰.
- موسوی، سید محمدرضا و نقی‌لو، علی (۱۴۰۰). تاثیر هویت ملی چندپاره ایران بر توسعه سیاسی کشور، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، ۸۱-۱۰۰.
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۴). نسل‌ها، گفتمان‌ها و امنیت، چارچوبی فرهنگی برای امنیت ایران، مطالعات راهبردی، ۱۸(۶۸)، ۵۷۰-۸۴.
- یزدان پناه، محمد؛ عیسی‌نژاد، محمد و نجات‌پور، مجید (۱۳۷۰). هویت اسلامی مهاجرین امنیت فرهنگی اروپاییان: پیامدها و چالشها، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱(۴)، ۱۳۳-۱۴۳.
- The Columbia Encyclopedia (2007). six editions, New York: Columbia University Press.
- Nye, Joseph, (2004). "Soft Power, the Means to Success in World" Politics, New York Public Affairs.
- Nye, Joseph (2006). Soft Power. Columbia university press.
- Washington primes [http. //www Washington primes.org](http://www.Washington.primes.org)
- <http://www.chn.ir/news/print/?setion-4&id-2566>.